



پزشکی را دارند و پزشکی هسته‌ای نیازمند مبانی پزشکی هسته‌ای است، ولی رشته‌های دیگر مثل ژئوفیزیک هسته‌ای یا تحقیقات نجومی که به هسته‌ای ربط دارند، اینها در کشور مغفول بودند و مادر دانشگاه شهید بهشتی سعی کردیم با هم این کارها را داشته باشیم و موفق شدیم برای دکترای کاربرد پرتوها هم مجوز بگیریم و آن را هم راه بیندازیم. البته بخش اعظم کار را آقای دکتر شهریاری انجام داد و من کمک‌کارش بودم.

ایشان از سال‌ها قبل وارد انرژی اتمی شده بودند؟

ایشان دانشجو بود، ولی کارهای تحقیقاتی‌اش در انرژی اتمی بود. استادش هم در آن زمان مرحوم دکتر سهراب پور. در انرژی اتمی بودند. خیلی هم به آقای شهریاری علاقه داشتند، چون آقای شهریاری از همه نظر علمی و اخلاقی دانشجوی خیلی ویژه‌ای بود. به ادبیات تسلط بسیار خوبی داشت و نهج البلاغه و قرآن را خیلی خوب می‌دانست و اشعار مولوی، حافظ، سعدی، پروین اعتصامی، شهریار و... را می‌خواند. خیلی با ذوق بود. خط خیلی خوبی داشت و تفاسیر علما را دنبال می‌کرد. به خصوص تفسیر آقای جوادی آملی را به روز دنبال می‌کرد. چند وقت قبل از شهادتش بود، من از جلوی اتاقش رد می‌شدم. رفته داخل که احوالش را بپرسم. با خوشحالی گفت آقای جوادی تفسیر سوره مائده را تمام کردند. برای اینکه تفسیر سوره مائده تمام شده بود خیلی ذوق می‌کرد...

همیشه جلوی در اتاقش یک عده صف می‌کشیدند و سؤال داشتند. برای من هم جالب بود. یک بار هشت نفر جلوی در اتاقش در انرژی اتمی منتظر بودند. من هم ساعت ۱۰ صبح با او قرار داشتم. یک کمی زودتر رفته دیدم هشت نفر ایستاده‌اند. از آنها پرسیدم چه کار دارید؟ یک نفر سؤال درباره الکترونیک داشت. یکی ریاضی می‌پرسید. خیلی جالب بود. یعنی این طور نبود که لزوماً درس هسته‌ای یا راکتور بپرسند. از رشته‌های دیگر هم می‌آمدند. ایشان هم خیلی راحت پشت میز نشسته بود و سوالات آنها را جواب می‌داد. یکی درباره الکترونیک سؤال کرد، گفت الان نمی‌رسم جوابت را بدهم، می‌توانی بروی فردا بیایی؟ آنها برای کنترل مداری در بحث‌های شیمی گیر کرده بودند. باید

فعالیت‌های مشترکی هم در دانشگاه شهید بهشتی داشتید؟

سال ۸۳ بود که با هم یک رشته فوق‌لیسانس جدید را با عنوان «کاربرد پرتوها» نوشتیم و از تجارب کشورهای دیگر استفاده کردیم و دیدیم جای این رشته در کشور ما خالی است و این را به صورت رشته فوق‌لیسانس نوشتیم و آقای شهریاری زحمتش را کشید و از طریق دانشگاه شهید بهشتی مجوزهای لازم را گرفت و این رشته تقریباً از سال ۸۴ در کشور راه افتاد و به خاطر همین دوباره ایشان اصرار داشت که من بروم و در دانشگاه شهید بهشتی با او همکاری بشوم که بالاخره منجر شد به اینکه من در تابستان ۸۵ رسماً به دانشگاه شهید بهشتی منتقل شدم و با هم شروع کردیم به آزمایشگاه ساختن، راه‌اندازی کامپیوتر و آوردن نرم‌افزار و دانشجویان جدید را آموزش دادن و به رشته‌های دیگر هم کمک کردیم. شهریاری تقریباً چند منظوره بود. یعنی در همه گرایش‌های هسته‌ای می‌توانست درس بدهد. می‌توانست تز فوق‌لیسانس بدهد، راهنمایی دانشجویان دکترا را عهده‌دار بشود. ما هم در خدمتش بودیم و در هر کاری که لازم داشت کمکش می‌کردیم. الحمدلله در جاهای دیگر کشور که لازم بود تحقیقات هسته‌ای برای حل مشکلات دیگر وارد شود، با همان بحث کاربرد پرتوها در کشاورزی، صنعت وارد شد. بحث پرتوها در این بخش‌ها با کاربرد پرتوها در پزشکی فرق می‌کند.

پرتوپزشکی‌ها بحث دستگاه‌های

”

دشمن به این نتیجه رسید که آقای شهریاری به خارج از کشور که نمی‌رود. نترس و شجاع هم هست و اگر هم او را بترسانند از پروژه‌های استراتژیک کشور پاپس نمی‌کشد و دارد مشکلات کشور را با امکانات خود کشور حل می‌کند و می‌تواند امکانات کشور را هم توسعه بدهد و در محاسبات هسته‌ای در سطح اول جهانی قرار می‌گیرد